

## اسلام و توسعه پایدار

دکتر ابوالقاسم اثنی عشری<sup>۱</sup>

مریم عبیری<sup>۲</sup>

### مقدمه :

مدلهای اقتصادی و اجتماعی که در دو سده گذشته پدید آمده‌اند، از سنن سکولاریزم غربی مایه گرفته‌اند. در سه دهه گذشته، بیش از چهل دولت اسلامی مستقل شکل گرفته‌اند، اما نظامهای اقتصادی - سیاسی حاکم در این کشورها همچنان بر مدلهای غربی مبتنی است.

بیداری مسلمان در جهان معاصر نه بازتاب سیاسی زودگذر اسلام مبارزه طلب و نه طغیان خشم مسلمانان علیه ملل غربی است. بلکه به عکس، این بیداری عکس‌العمل خلاق و مثبت مسلمانان، در برابر مبارزه طلبی عقیدتی تمدن غرب را رهبری می‌کند. این، از نظر جهان اسلام، تلاشی است برای بازسای جامعه و اقتصاد با بهره‌گیری از منابع مذهبی - فرهنگی غنی اما فراموش شده خود. هدف نهایی این تلاش ایجاد نظام اجتماعی مطلوبی است که در آن ابعاد مادی و معنوی با یکدیگر در آشتی به سر می‌برند.

تکاپویی تازه برای کشف معنا و پیام حقیقی اسلام به بهره‌گیری از منابع اصیل اسلام - یعنی قرآن و سنت پیامبر (ص) و نیز تجربه تاریخی امت مسلمان در جریان است. تقریباً در تمام زمینه‌های حیات فردی و اجتماعی - ادبی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی - تلاشهایی برای تعیین میزان ارتباط اسلام با این امور و نیز یافتن راهها و ابزاری برای انتقال این آگاهی به واقعیت اجتماعی - اقتصادی صورت می‌گیرد. پدید آوردن قواعد اجتماعی در علم اقتصاد اسلامی نشانگر چنین عکس‌العمل اخلاقی از جانب اقتصاددانان و علمای اسلامی است. (۱) یکی از مباحث اسلام و توسعه پایدار می‌باشد.

۱ دانشجوی کارشناس دانشگاه مازندران

۲ عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

## تعریف توسعه پایدار و مفهوم آن در متون اسلامی

توسعه پایدار چیست؟ «توسعه پایدار» عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای جهان را در حال حاضر برآورده کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند.

«توسعه پایدار» فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاریها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. («کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه» (WCED)

دکتر «اینیاسی زاکس» (Ignacy sachs) بر این باور است که دستور کار همواره یکی است، صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان» (۲)  
«رنه دوبو» در زمینه مفهوم «توسعه پایدار» از «رابطه متقابل انسان و زمین» یاد می‌کند و از «دو مبارزه» سخن می‌گوید:

«۱- مبارزه با آنان که بر اساس سنت کلاسیک، توسعه را بدون توجه به موم‌مداری دنبال می‌کند؛ ۲- مبارزه با کسانی که بر اساس دیدگاه محافظه‌کارانه، هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع می‌دانند» (۳)  
در این مناظره بین‌المللی، توسعه اقتصادی «فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی همه مردمان است و «مایکل تودارو» اعتقاد دارد: «رشد رشد اقتصادی فرایند پایداری است که در اثر آن، ظرفیت‌های تولید اقتصادی، طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود» (۴) با این مفهوم، «رشد اقتصادی» عبارت از رشدی است که عدالت و امکانات زندگی را برای همه جمعیت جهان (و نه تعداد اندکی از آنها) طلب می‌کند بدون آنکه به تخریب بیش از ظرفیت منابع طبیعی محدود جهان بینجامد.  
واقعیت این است که بحران زیست محیطی در زمانه ما ابعاد فاجعه‌آمیزی به خود گرفته که بی‌اعتنایی به آن ویرانی و اضمحلال کل فضای زیستی کره زمین را به دنبال خواهد آورد. به این دلیل، درک صحیح ابعاد فاجعه‌نقشی اساسی در دستیابی به راه‌کارها خواهد داشت و از همین جهت است که «رنه دوبو» از «دو مبارزه توأمان» سخن می‌گوید.

در همین زمینه، یک جریان نیرومند (بخصوص در دهه ۱۹۷۰) با هراس از پیامدهای ناگوار زیست محیطی، تلاش کرد نشان دهد که بشریت جز با توقف رشد نمی‌تواند از فاجعه جلوگیری کند. اعضای این گروه از آن جهت که «رشد صفر» را در جهان تبلیغ می‌کردند، «صفر‌گرایان» نامیده شدند. (۵) «صفر‌گرایان» در پاسخ به بحران ویرانگر زیست محیطی که کلیت حیات بشر را به مخاطره افکند، و برای کنترل ابعاد آن، از روی سگستگی «رشد صفر» را چاره‌ساز تصور کردند! این گروه بعداً، به دسته‌های گوناگونی چون طرفداران رشد صفر جمعیت، رشد صفر اقتصادی، رشد صفر آلودگی، رشد صفر انرژیهای تجدید نشدنی و (۶).... تقسیم شدند و هر دسته به نوعی به استدلال در این عرصه پرداخت. این گروه، به اعتباری، در هراس از فاجعه، راه به انحراف برد.

دکتر زاکس، در این زمینه می‌گوید: «در حقیقت تنها یک هرج و مرج وسیع می‌تواند مقوله عدم رشد را به عنوان یک مزیت مطرح کند؛ این معنی همچنین فروپاشی کامل چشم‌انداز ایدئولوژیک دو قرن اخیر را در پی خواهد داشت.» (۷)

چاره در «رشد صفر» نیست و چه بسا که در شرایط نامناسب «رشد صفر» زیانبارتر از رشد سریع مناسب باشد. چاره آن است که راه کار کارهای «توسعه پایدار» به تجربه واستدلال بازشناسی شود. واقعیت این است که با توجه به «فناپذیری کره زمین»، «رشد نامحدود» مادی نمی‌تواند برای همیشه پایدار بماند. اگر می‌خواهیم کاهش جبران ناپذیر سرمایه طبیعی پرهیز کنیم، باید مراقب تولید انرژی، مقدار آن و مواد اولیه باشیم.

مسئله اصلی در اینجا انتخاب بین توسعه و محیط زیست نیست، بلکه گزینش بین اشکال توسعه است؛ توسعه‌ای که به مسایل زیست محیطی توجه دارد و اشکالی از توسعه که نسبت به آن بی‌اعتناست. (۸)

واژه توسعه پایدار در مفهوم گسترده آن، شامل اداره و بهره‌برداری صحیح و کارآ از منابع پایه، منابع طبیعی، منافع مالی و نیروی انسانی به منظور نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با بکارگیری امکانات موردنیاز و ساختار تشکیلاتی متناسب برای رفع نیاز نسلهای امروز و آینده به طور مستمر، همه جانبه و رضایت‌بخش است. توسعه پایدار، توسعه‌ای مبتنی بر تمام ابعاد بوده و کلیه جوانب فنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را به طور یکجا مورد توجه قرار می‌دهد.

توسعه پایدار بر این مفهوم استوار می‌باشد که آیا مصرف را در شکل فعلی می‌توان در طولانی مدت ادامه و حفظ کرد و آیا به طور کلی، روشهای فعلی زندگی قابل قبول و معقولانه بوده و در آینده، منجر به نابسامانی نخواهد شد؟ توسعه پایدار، مبتنی بر فرهنگ جوامع بوده و تلاش می‌نماید با حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، ارمغان گر رفاه و آسایش برای تمام آحاد جامعه باشد.

توسعه پایدار مبتنی بر سه اصل عمده پایداری بوم‌شناختی، پایداری فرهنگی و اجتماعی و پایداری اقتصادی، استوار دانسته‌اند پایداری بوم‌شناختی، تضمین کننده آن است که توسعه با حفظ فرایندهای اساسی زیست محیطی، تنوع و منابع و گونه‌های زیستی سازگار خواهد بود.

پایداری فرهنگی و اجتماعی مبین این نکته است که توسعه باید با فرهنگ و ارزشهای مردمی سازگار باشد و استحکام گر هویت جوامع باشد.

پایداری اقتصادی، باید تضمین بنماید که توسعه واجد کارایی اقتصادی بوده و منابع به ترتیبی اداره خواهد شد که بتواند پشتیبان نسلهای آتی باشد. (۹)

به عنوان یک بحث توجیحی، مطرح می‌د که ما تا رشد اقتصادی نداشته باشیم، نمی‌توانیم به حفظ محیط زیست برسیم، به فکر توسعه پایدار باشیم، اگر رشد اقتصادی متوازن حاصل شد آن موقع این جامعه می‌تواند، به فکر توسعه پایدار و محیط زیست باشد و آن موقع اقدامات جبرانی را برای حفظ محیط زیست داشته باشیم که اولاً با توجه به نوع بهره‌برداری که از منابع طبیعی می‌شد و نوع آلودگی‌هایی که برای محیط زیست پیش

آمد، خیلی زود اینها متوجه شدند که اصلاً بحث جریان، یک بحث انتزاعی است. ما اگر فرایند توسعه را به نحوی جهت‌گیری کنیم که حداقل ضرر و زیان را برای منابع طبیعی داشته باشد این یک جریان مداوم و یک جریان پایدار، خواهد بود. ما اگر بتوانیم یک بهره‌وری کافی و در عین حال قابل اعتماد برای نسلهای آینده داشته باشیم و این پایداری را به نحوی که مشکل طبیعی را بر هم نزنیم، تداوم بدهیم، می‌توانیم نسبت به دستاوردهای آن خوشبین باشیم.

مشکلات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جنبه‌های مختلف مثل مسائل فرهنگی، مسائل اجتماعی و بحرانهای ناشی از آن و مسائل زیست محیطی عمده، چون گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه ازن، بارنهای اسیدی و غیره، توجه انسان را از رشد و توسعه به طور عام، به توسعه پایدار، معطوف داشت. علت‌های اساسی توجه به توسعه پایدار در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی مسائل زیست محیطی، مهاجرت از کشورهای فقیر، بغنی، بحرانهای اجتماعی و بحرانهای سیاسی را می‌توان نام برد. بنیانهای توسعه پایدار می‌بایست مبتنی بر چهار پایه اساسی توسعه اجتماعی و سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه زیست محیطی و توسعه اقتصادی باشد. توسعه‌ای که مبتنی بر این چهار اصول باشد، می‌تواند همزمان با رشد و تعالی انسانی، به عدالت اجتماعی جامعه بینجامد و نسلهای آتی نیز از مواهب آن بهره‌مند باشند.

## توسعه در آیات و روایات

شاید نیاز به توضیح نباشد که مفهوم «توسعه» به معنای مصطلح امروز، مفهومی جدید و با سابقه‌ای در حدود نیم قرن است. اگر بخواهیم در منابع دینی، مفاهیمی نزدیک به معنای توسعه به دست آوریم، میتوانیم از مفاهیمی همچون عمران، احیاء زمین، تعلیم و تربیت، نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، صنعت، تجارت و ... به عنوان عوامل لازم برای توسعه پایدار و از مفاهیمی همچون رفاه، گشایش در معیشت و زندگی، زیبایی و آبادی شهرها و راهها، افزونی درآمدها، توزیع عادلانه ثروت، امنیت، همبستگی و وحدت اجتماعی، بهداشت روانی و آرامش روحی برای مردم و ... به عنوان آثار توسعه استفاده کنیم.

در قرآن، به صراحت بیان شده است که حضرت صالح به قوم ثمود گفت: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» (۱۰) «او (خدا) شما را از زمین ایجاد کرد و به آبادانی در آن گماشت» شیخ طوسی در تفسیر تبیان در تفسیر آیه فوق فرموده است: خدا فرموده است: «شما را به آبادانی در آن گماشت» یعنی بر آبادانی زمین توانا کرد و نسبت به آبادانی شما را متمکن و نیرومند ساخت و نیازمند سکونت در زمین قرار داد.

قابل توجه اینکه قرآن نمی‌گوید: خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید: عمران و آبادانی زمین را به شما تفویض کرد اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کشتش سهمی نداریم.

در ضمن این حقیقت نیز از آن استفاده می‌شود که برای عمران و آبادی باید به یک ملت مجال داد و کارهای آنان را به آنان سپرد، و وسایل و ابزار لازم را در اختیارشان گذارد.

از آیات قرآن و روایات اسلامی استفاده می‌شود که عمران موردنظر اسلام تنها دارای بعد مادی و اقتصادی نیست، بلکه برای عمران ابعاد انسانی، اخلاقی، روانی و معنی در نظر گرفته شده است. بر این اساس، زمین آنگاه آباد است که رشد و افزایش ثروت انسانها همراه با آرامش و آسایش آنان باشد، نه اینکه رشد ثروت مادی اضطراب آفرین و تشویش‌زا باشد. شهرها و سرزمینها آنگاه آباد به شمار می‌آیند که رفاه و راحت مادی بشر همراه با آرامش روحی و فکری، وحدت و همدلی، روابط سالم انسانی، امنیت جانی و مالی و رضایت خاطر معنوی باشد. اگر هر یک از این ابعاد در آبادی زمین دستخوش آسیب گردد، عمران و آبادی موردنظر اسلام ناقص می‌ماند، بلکه توجه و اهتمام به عمران مادی بدون اهتمام به ابعاد دیگر آبادی برای کمال انسان، زیانبار و از نظر اسلام محکوم است.

بنابراین، از این بحث، نتیجه می‌شود که: اسلام، نه تنها با عمران زمین، مخالفتی ندارد، بلکه بر اساس تعالیم اسلام، خداوندانسان را برای آباد کردن زمین، مأمور ساخته است، به همین منظور او را جانشین خود در زمین قرار داده است و انسان را صاحب اختیار فعالیت در زمین قرار داده است.

### بررسی روابط دین و توسعه پایدار اقتصادی

تجربه مسلمان صدر اسلام نشان می‌دهد که علیرغم مشکلات زیادی که در ابتدای هجرت به مدینه با آن روبرو بودند و از نظر غذا، مسکن و شغل در مضیقه به سر می‌بردند، به زودی براین مشکلات، فائق شدند و اقتصاد ایشان با رشد و توسعه همراه گشت.

از میان نظریات اقتصادی موجود، تراکم طلا از طریق گسترش تجارت، توسعه زمین‌های کشاورزی یا بخش صنعت هیچ یک تفسیر قابل قبولی برای توسعه صدر اسلام ارائه نمی‌کنند، زیرا تجارب درانحصار قبیله قریش، دشمن مسلمانان بود، و از این طریق، تنها کالاهای خوراکی و پوشاکی و امثال آن به جزیره العرب وارد می‌شد و هیچ وقت مازاد تجاری انبوهی پدید نیامد که موجب گسترش سایر بخشهای اقتصاد گردد. آب و هوا و شرایط اقلیمی در جزیره امکان توسعه کشاورزی را محدود می‌آخت و فنون صنعتی چندان گسترش نداشت که منشاء رونق صنعت و پیشرفت تکنولوژی شود.

از آنجایی که هدف دین اسلام، سعادت و بهروزی انسان در دنیا و آخرت می‌باشد. به نظر می‌رسد که اساس رشد اقتصاد صدر اسلام تکیه بر پرورش و هدایت استعدادهای انسانی و تقویت و بارور ساختن آنها بوده است. در واقع، تنها ذخیره ارزشمندی که در اختیار رسول اکرم قرار داشت، سرمایه انسانی مسلمانان بود. با آموزش، تربیت و بارور ساختن همین استعدادهای انسانی، پیامبر اسلام توانستند که اقتصاد جزیره را متحول سازند و با استفاده از مزیت‌های نسبی آن توسعه اقتصادی را برای مسلمانان به ارمغان آورند.

الگوی توسعه اقتصادی صدر اسلام را همانند سایر الگوهای اقتصادی می‌توان از طریق چهار عامل مورد

شناسایی قرار داد:

۱- انگیزه‌هایی که مکتب برای عرضه کنندگان و متقاضیان ارائه می‌کند. ۲- نهادهایی که برای سهولت و تسریع داد و ستد پدید می‌آورند ۳- قوانین و مقرراتی که برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از انحرافها و برخورد منافع دست اندرکاران با یکدیگر یا با منافع جمع وضع می‌نماید و بالاخره ۴- سیاست‌هایی که برای رسیدن به عدالت یا اهداف مکتب به اجرا درمی‌آورد. بر اساس این عوامل نشان داده می‌شود که چگونه به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه مسلمانان مدنظر پیامبر اسلام بوده است و چگونه افزایش انبار سرمایه انسانی مسلمانان نه فقط موجب پیشرفت علوم و فنون گشت، بلکه مزیت‌های نسبی جزیره مانند تجارت مورد استفاده قرار گرفت.

### راه کارهای کل

واقعیت آن است که انسان پیسوته برای تأمین مواد غذایی مورد نیاز و تدارک سایر مایحتاج خود ناگزیر به بهره‌برداری از محیط و طبیعت بوده است و در نهایت با دخالت‌های خود در قالب فعالیت‌های کشاورزی با بهره‌گیری از چوب علوفه و سایر فرآورده‌های جانبی به ایجاد تغییر در تعادل اکوسیستم و تأثیرگذاری در گونه‌های جانوری و گیاهی پرداخته است، در طی این دوران بنا به دلایلی متفاوتی از جمله بی‌توجهی به حفظ منابع و عدم رعایت ملاحظات زیست محیطی، تداوم روند بهره‌برداری به میزان حداکث از منابع، استفاده از پیشرفت‌های تکنیکی و ابزارهای نوین به منظور سرعت بخشیدن به برداشت حداکثر از منابع مجموعاً وضعیت اسفباری را برای منابع طبیعی و حتی کشاورزی در بسیاری از مناطق جهان بوجود آورده است. برای پیداری و تداوم سیر طبیعی در منابع طبیعی لازم است تا همزمان و هماهنگ با حفظ و مراقبت از منابع پایه در جهت تأمین خواسته‌ها و تأمین امنیت غذایی، اشتغال بیشتر و درمد بیشتر برای قشرهای آسیب‌پذیر و ریشه کنی همت گماشت. بدین منظور شناسایی و درک جایگاه و نقش قشرهای تولید کننده در بخش کشاورزی و بهره‌وری از منابع طبیعی در جامعه و سنجش و تطبیق جایگاه و مسئولیت‌های آنها از اولویت بالایی برخوردار است.

برنامه‌های طراحی شده برای حفظ واحیاء توسعه منابع طبیعی به چند دلیل از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار هستند. اول آنکه کار در جهت حفظ، احیا و توسعه منابع طبیعی بطور عمده طولانی و اثرات و ثمرات آن در مقایسه با بسیاری از فعالیت‌های عمرانی حتی کشاورزی در زمان طولانی‌تری نمایان می‌گردد. دوم آنکه بسیاری از عرصه‌های منابع طبیعی یا بشدت تخریب یافته و یا در معرض تخریب و نابودی است. سوم آنکه بطور معمول انگیزه‌های لازم جهت حفظ و حمایت از این منابع از طریق روشها و تکنیک‌هایی که سازمانهای دولتی در پی آن هستند در بین مردم چندان قوی نیست. چنانچه اینفهم نادیده گرفته شود و یا توجه کافی بدان نشود نه تنها گامهای مسحکمی در جهت حفظ و توسعه پایدار منابع باارزش کشور برداشته نخواهد شد، بلکه بر پیچیدگی‌های مسائل شهری ناشی از پیامدهای تخریب منابع طبیعی و عزیمت گروه‌های بزرگ مهاجران روستایی به شهرها هم افزوده خواهد شد.

برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ضروری است تا با هماهنگی سایر بخشهای خدمات و صنعت با بخش کشاورزی در جهت بکارگیری و جذب نیروی کار اضافی زمینه فعالیت‌های جانبی را فراهم کرد، در این صورت می‌توان انتظار داشت با افزایش سطح زندگی و امکان پس‌انداز و ایجاد سرمایه فراهم شده و با بکارگیری سرمایه‌های اضافی در بخش کشاورزی، تولیدکنندگان روستایی از تولید کنندگان معیشتی به تولیدکنندگان تجاری تبدیل شوند. در غیر این صورت عوامل بازدارنده‌ای نظیر رشد و افزایش تعداد شاغلان کشاورزی گسترش بی‌زمینی و کوچکی قطعات و پراکندگی اراضی مورد بهره‌برداری به دلیل رشد جمعیت و ساختارهای فرهنگی از یکسو و افت شرایط اکولوژیکی از سوی دیگر مانع از رسیدن به اهداف موردنظر خواهد بود (۱۱).

اگر فرهنگ مسائل زیست محیطی در کشور، جا بیفتد، ما خیلی موفق‌تر می‌توانیم عمل کنیم. باید فرهنگ این کار عوض شود، منتها سیاست دولت هم باید پشت این قضیه باشد. مثلاً اگر بالای پشت بام‌مزلتان بروید و صدها آنتن تلویزیونی می‌بینید ولی شما یک خانه را نمی‌بینید که مثلاً آب گرم خانه‌اش را با انرژی خورشید گرم کند و یا یک دستگاه آبگرمکن خورشیدی می‌بینید، آنتن تلویزیونی نمی‌بینید. این نشان دهنده این است که فرهنگش برایمان جا نیافتاده است. در کنارش مسئله دولت هم هست، مسائل کلان سیاست اقتصادی دولت هم اینجاست. ما در خیلی از تصمیم‌گیریهای دولت می‌بینیم که متأسفانه توجهی به اشاعه مسائل فرهنگی نمی‌شود. یعنی اگر دولت به نظر من می‌آمد می‌گفت که آقا اگر هر کس آبگرمکن خورشیدی بالای پشت بامش بگذارد، فرض کنید که ۲۰ هزار تومان به او می‌دهند، در بلندمدت خود دولت، از این قضیه بیشتر نفع می‌برد. (۱۴)

شرکت و تعهد کلیه گروههای اجتماعی، شرط لازم جهت اجرای مؤثر اهداف، سیاستها و راهکارهای فعالیت‌های مختلف در توسعه پایدار می‌باشد. این گروههای اجتماعی به ترتیب زیر می‌باشند: ۱- زنان ۲- جوانان و کودکان ۳- مردم بومی ۴- سازمانهای غیر دولتی ۵- مقامات محلی ۶- کارگران و اتحادیه‌های کارگری ۷- تجارت و صنعت ۸- علوم و تکنولوژی ۹- کشاورزان. (۱۳)

در این میان زنان به عنوان گروه هدف در توسعه پایدار قرار می‌گیرند. چرا زنان به عنوان گروه هدف تا این حد مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه پایدار هستند؟ شاید بتوان گفت دلیل اول به علت تعداد زیاد زنان در سراسر جهان که نیمی از جمعیت هستند. دوم، نقش باروری زنان و نزدیکی ایشان با آلودگی‌های محیط زیست که می‌تواند به نسل آینده منتقل شود. نقش زنان به عنوان مادر و پرورش دهنده منابع انسانی که حساسیت و تعهد بیشتری نسبت به حفظ منافع نسل آینده ایجاد می‌کند. محرومیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان در غلب جوامع، استثمار روزمره زنان در اشکال مختلف و نقش زنان به عنوان اولین آموزش دهندگان فرهنگی نسل آینده از عوامل مهمی است که توجه برنامه‌ریزان توسعه پایدار را برانگیخته است.

چگونگی مشارکت‌زنان در توسعه عبارتند از: مشارکت آنان در سطح خرد، نظیر افزایش تعلیم و تربیت، افزایش استخدام زنان، افزایش تشکیل سرمایه برای زنان و چهارم افزایش تحرک مکانی و اجتماعی زنان.

درباره رابطه اشتغال زنان با توسعه پایدار پنج نظریه درباره نقش زنان در توسعه از سوی سازمانهای بین‌المللی عمل شده است. که عبارتند از «نظریه رفاه» و بر سه فرضیه استوار است: عوامل غیر فعال بودن زنان، نقش مادرانه زنان و نقش باروری آنها در توسعه اقتصاد. «نظریه برابری» در این نظریه، ذنلا عامل توسعه و زنان شرکت کننده در فرایند توسعه اقتصادی هستند. سوم «نظریه فقرزدایی» نظریه چهارم «نظریه کارایی» است در این نظریه زنان نه تنها به عنوان تولید کننده بلکه به عنوان مدیران منطقه خود شناخته شده‌اند و به افزایش کارایی توجه دارد و نظریه پنجم «نظریه تواناسازی» است که متکی بر مدیریت اقتضایی است و بر این حقیقت تأکید دارد که زنان مورد ظلم و تعدی متفاوتی قرار می‌گیرند که بستگی به نژاد، طبقه و موقعیت آنها در کشورشان دارد. (۱۴)

### راه کارها از نظر اسلام

با در اختیار داشتن ایدئولوژی اسلامی، مردم پس از آگاهی و بیداری نسبت به استثمار و استعمار در صدد سرنگونی آن قیام کرده و پس از پیروزی در جهت توسعه اقتصادی کوشش خواهند کرد تا جایی که قرآن در سوره اعراف آیه ۳۱ می‌فرماید:

«قل من حرم زینت الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحياه الدنيا خالصه يوم القيامه كذلك نفصل الايات لقوم يعلمون....»

یعنی: «بگو ای پیامبر چه کسی زینت‌های خدا را برای بندگان خدا آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان و خالص اینها و نیکوتر از اینها در آخرت بر آنان خواهد بود، ما آیات خود را برای اهل دانش چنین روشن بیان می‌کنیم»

اسلام از یک سو با نهی از رهبانیت (لارهبانیه فی الاسلام) و با ترک دنیا و امر به کوشش و کار و کسب تجارت و از سویی دیگر با ترغیب به مصرف اندک، تا دیه حقوق اجتماعی و شرعی و ایثار و انفاق هم موجبات رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی را فراهم آورده و هم تحقق هدف عدالت و برابری را پی‌گیری کرده است. در اسلام برای کار و کوشش تشویق‌های زیادی، صورت گرفته و کم کاری و تن پروری و پرهیز از کسب درآمد از نظر جهان‌بینی اسلام و مکتب تشیع رد شده و با روح اسلام، بیگانه است و در زمینه فراگیری به علم و دانش و مهارت و تخصص هم، اسلام سفارشات زیادی دارد.

مسلمانان، موظف به فراگیری دانش و فن و صنعت است و دولت اسلامی باید از کشاورزان، صنعتگران و بازرگانان حمایت کند. در رابطه با تجارت هم اسلام مشوق مسلمانان بوده است تا جایی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ترک بازرگانی مایه نقض عقل می‌شود.



در مورد فقر هم اسلام اقدام به نکوهش آن کرده است، امام علی علیه السلام می‌فرماید: تنگدستی بزرگترین مرگ است و در گور خفتن بهتر از با فقر بسر بردن است. پس انسان مسلمان میکوشد تا فقر را از خود دور نماید و با کسب ثروت عزت خویش را به دست آورد و در باب تشویق به کاهش مصرف شخصی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قطعاً اسراف موجب فقر می‌ود و رعایت اقتصاد در مصرف مایه غنا می‌گردد.

یعنی مسلمانان در عین حال که پرکار و تلاشگر است و مجهز به فن و داشتن و مهارت و ثروت و درآمد دارد اسراف نمی‌کند و می‌کوشد تا کمتر از همه مردم زمانه خود مصرف کند، در نتیجه پس انداز بیشتری دارد و در عین حال مالک پس انداز و دارایی خویش است.

پس یک مسلمان، اولاً فردی است سخت کوش، پردرآمد و ثروتمند که این مهم تعیین کننده تحقق کارایی و رشد و توسعه اقتصادی جامعه است و ثانیاً فردی است کم مصرف و نیکوکار و دارای پس انداز فراوان که این امر تعیین کننده تحقق برابری و عدالت اجتماعی (نسبی) است، پس توسعه نیافتگی و عقب ماندگی جوامع اسلامی معلول اصول اسلام نیست، بلکه معلول ضعف دولت، افراد و ملت نسبت به احکام اقتصادی - اجتماعی اسلام و مشکل پیاده کردن این احکام و قوانین و سیاستهای جاری است.

لذا با این پس انداز فراوان یک فرد مسلمان می‌تواند در مکاسب حلال سرمایه‌گذاری نماید. در این حالت جامعه دچار تورم نمی‌شود. با کمبود تولیدات، مواجهنگشته و دچار تراز پرداختهای منفی و احتکار و درماندگی محرومین و مستمندان از تأمین، هزینه‌های زندگی نخواهد شد. در نتیجه کارایی تا حد مطلوب ایجاد شده مساوات از طریق ارزانی و فراوانی کالاها و پرداخت از محل منابع عمومی و انفال حاصل می‌شود. (۱۵)

توسعه اقتصادی مطلوب برای جامعه اسلامی، به تنظیم دونهاده اجتماعی دولتی نیازمند است. نخست نهادی که دائماً به کنترل ساز و کارهای تولید ثروت، نظیر حجم نقدینگی، سرعت گردش پول، فرصت‌های حرکت نقدینگی، ارزشگذاری کار و مشاغل و دیگر امور مربوط به آن پردازد و نهاد دیگری که وظیفه‌اش تنظیم ساز و کار توزیع ثروت در میان افراد پایین تر از خط رفاه اولیه باشد.

توسعه سیاسی در جامعه اسلامی، باید توسعه در آگاهی عمومی نسبت به مسائل سیاسی، گسترش تضارب آراء درون فکری و برون فکری ارائه خط مشی‌های روشن و واضح توسط احزاب و جریانهای سیاسی، تشکیل دولت و مجلسی سالم و دلسوز و توانمند برای ترسیم برنامه‌های جامعه اسلامی و گسترش مشارکت عمومی و نخبگان متدین را اصلی‌ترین برنامه‌های علمی خود قرار دهد پر واضح است که روشهایی نظیر داد و ستد آراء عمومی تبلیغ هیجان گوی و جلب نظر منفعت گرایانه نخبگان، حرکت سیاسی جامعه اسلامی را در مسیر خود خارج خواهد نمود. کما انیکهدیگر جوامع بشری نیز با تکیه بر اهرمهای مزبور به توسعه سیاسی واقعی دست نیافته‌اند، اگر چه نامش را توسعه می‌گذارند.

برنامه ریزی توسعه خانواده در جامعه اسلامی، باید سه نکته را در مرکز توجه خود قرار دهد: نخست آنکه در تمامی عرصه‌های اجتماعی مقررات و ضوابط دیوانسالاری چنان پیش بینی شود که در نهایت به توازن حقوق خانوادگی زن و مرد مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بینجامد، بطوری که زوجین از ابتدای انعقاد عقد زوجیت امکان دسترسی کافی به حقوق حقه خویش را در عرصه‌های گوناگون داشته باشند. انباشت آیین‌نامه‌ها و مقررات دیوانی، اگر مسیر تشکیل خانواده را سخت و دشوار نماید، به وضوح راه توسعه خانواده را مسدود خود کرد و به تبع آن با سرریز شدن سیل نیازهای جوانان به عرصه رفتار اجتماعی، خسارت جبران‌ناپذیری به جامعه اسلامی وارد خواهد شد. دوم آنکه مسأله کنترل جمعیت را باید مسأله‌ای جدای از برنامه‌ریزی برای توسعه خانواده به شمار آورد، بطوری که می‌توان رابطه این دو بخش با یکدیگر را کاملاً قطع نمود. اگر کنترل جمعیت در جهان کنونی و در شرایط فعلی جامعه ما، امری ضروری و بلکه حیاتی است و عدم کنترل جمعیت و رشد بی‌رویه آن آینده جامعه را به مخاطره می‌افکند، این موضوع ذاتاً ربط چندانی با مسأله توسعه خانواده ندارد، بلکه برنامه‌ریزان توسعه، به جای توصیه نسبت به کاهش سرعت تشکیل خانواده بمنظور کنترل جمعیت باید به برنامه‌ریزی در جهت افزایش سطح تشکیل خانواده همراه با روشهای قابل قبول کنترل جمعیت بپردازند، البته در اینجا به لحاظ فراهم شدن شرایط دینی لازم، ایفای نقش سهم و لزوم مساعدت جدی بر عهده فقهاست. سوم آنکه مسائل ناسازگاری درصدی از زوجین و شکل‌گیری فرآیندی از طاقها، نمی‌تواند دلیلی برای بی‌توجهی به توسعه خانواده در جامعه اسلامی فراهم آورد. بلکه این امر صرفاً مسئولیت برنامه‌ریزان فرهنگی و نظام تعلیم و تربیت را برای کاهش عوامل طلاق و ایجاد الفت و استحکام هرچه بیشتر در خانواده‌ها افزایش می‌دهد. نتیجه عملکرد این بخش هر چه باشد، توسعه خانواده در جامعه اسلامی به عنوان محور توسعه اجتماعی جایگاه شاخص خود را همواره حفظ خواهد کرد.

توسعه حقوق، در جامعه اسلامی، باید برنامه‌ریزی دستگاه قضایی در باب نظام حقوقی جامعه را به سوی تنظیم هر چه دقیق‌تر حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی سوق دهد و در جهت ارائه تعریف دقیق و عینی از حقوق و تکالیف مزبور به گونه‌ای که مصادیق موردنیاز را به خوبی شامل شود، بکوشد، در این راستا، تشکیل گروههای تخصصی «میان عرصه‌ای» نظیر گروههای حقوقدانان اسلامی با مخصصان صنعت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و تعلیم و تربیت و دیگر بخشهای درون عرصه‌ای، برای بررسی و تنظیم مجموعه حقوق و تکالیف اسلامی در هر بخش، ضرور است. توسعه دفاعی در جامعه اسلامی باید توسعه مجاهدین را محور برنامه‌ریزی خود قرار دهد و در افزایش شمار مجاهدان و گسترش آنان در سطح عمومی جامعه تلاش دائمی و مستمر داشته باشد؛ چرا که از نظر قرآن کریم هر مجاهد مؤمن می‌تواند قدرتی بین ۲ تا ۱۰ برابر شمار نیروهای مقابل فراهم آورد. [«ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مأتین» از شما مؤمنان بیست مؤمن صابر باشند، بر دویست نفر غلبه خواهند (۶۵- انفال) و در آیه دیگر «ان یکن منکم ماه صابره یغلبو مأتین» اگر در حالت ضعف شما صد مؤمن صابر باشند بر دویست نفر غلبه خواهند کرد (۶۶- انفال).] و با کسب هویتی ایمانی راه را برای استفاده از قوت ماورایی باز نماید [لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره و یم حنین اذ اعجبکم

کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً و ضاقت علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین» هر آینه خداوند در مواضع بسیاری شما را یاری فرموده و نیز روی جنگ چنین هنگامی که زیادی نیروهایتان شما را به تعجب افکند اما کاری از پیش نبردید و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ گردید، سپس روی از جنگ برگداند و فرار نمودید، در آن روز خداوند شما را یار یو پیروز فرمود (۲۵) توبه. ]

از دیدگاه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، توسعه یافتگی دارای ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و معنوی است. توسعه اقتصادی مقدمه و وسیله ای برایتوسعه اجتماعی و معنوی است. توسعه اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی هر دو، مقدمه و وسیله ای برای دستیابی به ابعاد معنوی توسعه است. اختلاف اساسی دیدگاه اسلامی با دیدگاه غیر مذهبی نیز هدف قرار گرفتن معنویات در اسلام و بی توجهی سایر دیدگاهها به معنویات است. (۱۶)

واضح است که اسلام جامعه ای عزیز و مستقل و متکی به خود می خواهد و نمی پسندد که ملت مسلمان زیر دست بیگانه باشد و از آنجاکه اکنون در دنیا چنان تحولی به وجود آمده که همه کارها بر محور علم می چرخد و نظام زندگی بر اساس علم قرار گرفته و همه شئون حیات بشری با دانش و تکنولوژی وابستگی پیدا کرده است، بطوری که هیچ کار و مشکلی از امور مهم زندگی را جز با کلید علم و تکنیک نمی توان حل کرد، و از طرف دیگر رسیدن به استقلال و خودکفائی همراه با اقدار اقتدار اقتصادی، و به طور کلی انجام بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی به فراگیری علوم و تکنولوژی پیشرفته روز بستگی دارد. لذا فریضه علم به عنوان کلید و مفتاح برای انجام سایر فرائض و دستیابی به اهداف نظام اقتصادی اسلام شناخته شده و از شئون حیاتی مسلمین برای کسب عزت و شرافت در سطح بین المللی می باشد.

مسلماً دستیابی به استقلال و عزت در دنیای کلمات نیت و با شعار بدست نمی آید و تا زمانی که مسلمین مصرف کننده کالاهایی ساخته شده غرب باشند و در دانش و تکنیک دست نیازشان بسوی آنها دراز باشد و حتی برای دفاع از خود به سلاحهای دشمنان اسلام متکی و محتاج باشند برای همیشه در حاشیه می مانند و دیگران به اکراه و یا اجبار برای آنان تصمیم می گیرند لذا مسلمین باید با برنامه ریزیهای لازم اقتصادی به خودکفائی برسند، به این معنی که توان رفع نیازهای خود را، حداقل در سطح محصولات حیاتی و استراتژیک با تأمین سطح مطلوب از رفاه برای افراد جامعه داشته باشند، بطوری که هرکجا بنا بر مصلحتی با بیگانگان روابط سیاسی و اقتصادی برقرار کردند از موضع قدرت برخوردار کرده و نه تنها تحت سلطه آنان قرار نگرفته بلکه بر آنان برتری و تفوق داشته باشند.

در نهایت می توان عنوان کرد که اسلام برای ایجاد توازن و عدالت اجتماعی و اقتصادی چه در استفاده از منابع، چه در تولید و چه در توزیع به شعار اکتفا نکرده بلکه برای دستیابی به آن مکانیها و ابزار را ارائه کرده است. (۱۷)

فلسفه اقتصادی اسلام به تعلیم انسان برای تعاون پس از تشویق او به فعالیت اقتصادی مولد منحصر نمی شود، بلکه انگیزه ای قوی برای توسعه به وجود می آورد مسلمانان واقعی تلاش در راه توسعه را همچون

جهاد در راه خدا می‌داند. جامعه اسلامی سیاستهای خود را برای تأمین کارایی و آرامش برای همگان جهت می‌دهد و هرگونه سستی در این زمینه کفرانعمت‌های خداوند به شمار می‌رود. توسعه اقتصادی شرط لازمی است که ملت‌های مسلمان باید بدان تحقق بخشند تا بتوانند رسالتی را که قرآن برای آنها نسبت به انسانها تعیین کرده و آن را فلسفه وجودیشان می‌داند، انجام دهنده این رسالت با رستگاری تمام انسانها ارتباط دارد. در هنگامی که کشورهای مسلمان از نظر سیاسی و اقتصادی همچنان محکوم قدرتهایی با فرهنگهای بیگانه هستند، نمی‌توانند این رسالت را به انجام برسانند. رویکرد تنگ گرایانه به توسعه اقتصادی با روحیه اسلامی که خواهان رویکردی جهانی است هماهنگ نیست. این رویکرد جهانی تعاون بین ملت‌های فقیر و ثروتمند را تضمین می‌کند تا دوران سعادت‌ی جهانی آغاز گردد و گرسنگی و ترس از جامعه انسانی، رخت بر بندد.

ویژگی بارز و اصلی خط مشی اسلامی توسعه اقتصادی این است که عدالت اجتماعی و رشد با یکدیگر همراهند. انگیزه‌ای که اسلام برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد این امر را تحقق می‌بخشد. انگیزه سود فردی در الامنیروی محرکه اصلی نیستند. تلاشهای توسعه‌ای عمدتاً اجتماعی‌اند و افراد با رغبت در این مخاطره جویی مشارکت می‌کنند.

در چارچوب نظریه جهانی اسلام، تلاشهای توسعه‌ای نمی‌تواند به خودی خود هدف باشد و تولید ناخالص ملی فزاینده نیز نمی‌تواند تنها شاخص «رشد» در مفهوم اسلامی آن باشد. هدف، زندگی خوب با تمام ابعاد آن است که جنبه اقتصادی‌تنها یکی از آنهاست. (۱۸)

امید است که با نگرش اسلامی بر رویکرد توسعه‌به‌اهداف توسعه و از جمله توسعه پایدار برسیم و در مسیر کمال انسان که همانا قرب الهی است، گام برداریم.

## فهرست منابع :

- ۱- مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، به کوشش پروفیسور خورشیداحمد، ترجمه محمد جواد مهدوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴، صفحه ۱۱ و ۱۲
- ۲- بوم شناسی و فلسفه توسعه در قرن ۲۱، اینیاسی زاکس، ترجمه سید حمید نوحی (تهران، موسسه فرهنگی کیان، ۱۳۷۳)، صفحه ۳۵ [ به نقل از : اطلاعات سیاسی - اقتصادی، «توسعه پایدار» چشم انداز جهان سوم، مهندس حسین نصیری، شماره ۱۲۸-۱۲۷، صفحه ۱۹۳ ]
- ۳- همان، صفحه ۲۹ [ به نقل از : همان صفحه ۱۹۳ ]
- ۴- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، (تهران: انتشارات سازمان برنامه (؟) جلد دوم، صفحه ۸۵۲. [ به نقل از : همان ]
- ۵- بوم شناسی زاکس، پیشین، صفحه ۴۰.
- ۶- همان
- ۷- همان، صفحه ۵۵
- ۸- اطلاعات سیاسی - اقتصادی .... صفحان ۱۹۳، ۱۹۴.
- ۹- پیام زن، توسعه پایدار و نقش محوری زیست محیطی زنان روستایی، شماره ۷۹، ۱۳۷۷، صفحه ۴۴ و ۴۵
- ۱۰- سوره هود آیه ۶۱
- ۱۱- ماهنامه سنبله، منابع طبیعی و توسعه پایدار، مهندس مهرداد قدس خواه دریایی، شماره ۱۰۴، دی ۱۳۷۷، صفحه ۵۶ و ۵۷.
- ۱۲- روزنامه سلام، ۶ مرداد ۱۳۷۷، شماره ۲۰۶۹، صفحه ۶
- ۱۳- پیام زن، توسعه پایدار و نقش محوری زیست محیطی زنان روستایی، شماره ۷۹ مهر ۱۳۷۷، صفحه ۴۴ و ۴۵
- ۱۴- ماهنامه تدبیر موانع توسعه پایدار، صحبت‌های خانم دکتر آرام طاعتی، استاد دانشگاه، شمار ۱۷، آبان ۱۳۷۷، صفحه ۶۶.
- ۱۵- مفهوم توسعه در قرآن و سنت، احمد صادقی گرمارودی، مجموعه مقالات ... صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۱
- ۱۶- توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، مرتضی عزتی، مجموعه مقالات، ... صفحه ۲۶۱
- ۱۷- مطالعاتی در اقتصاد اسلامی منبع ذکر شده ص ۱۰
- ۱۸- همان، اندیشه اقتصاد مسلمانان، بررسی متون معاصر، دکتر نجات الله صدیقی، صفحه ۲۶۸ و ۲۶۹.

